

## مطالعه میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی ایران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن از انقلاب اسلامی تاکنون

سیف الله سیف اللهی (دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛ نویسنده مسؤل)  
علی اکبر محمودزاده (دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)  
aa.mahmoudzadeh@gmail.com

### چکیده

در سه دهه اخیر، تحقیق چندانی درباره روند مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی ایران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن صورت نگرفته است. تحقیق حاضر با چنین هدفی و با استفاده از روش‌های اسنادی، پیمایشی و میدانی، با حجم نمونه‌ای به تعداد 146 نفر از صاحبان صنایع بخش خصوصی انجام شده است. مطالعات نشان داد که فرآیند مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی، در دهه نخست پس از انقلاب اسلامی، همراه با رشد منفی، در دو دهه پس از آن، در مجموع همراه با رشد مثبت و از حدود دو سال پیش به این طرف دوباره رشد منفی داشته است. این، بدان معنی است که روند مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی در سه دهه اخیر ناپایدار، پرنوسان و دورانی بوده است و نمره مشارکت فعلی آن در حد کم یعنی  $1/4$  (در مقیاس صفر تا 4) است. پس از آزمون فرضیات، تنها فرضیات مربوط به عوامل درون جامعه‌ای تأیید و فرضیات مربوط به عوامل برون جامعه‌ای و بین جامعه‌ای رد شدند. و از این که نتیجه مطالعات نشان داد بین سه متغیر مستقل فرضیات مربوط به عوامل درون جامعه‌ای مانند: «میزان وجود آنومی»، «عملکرد دولت» و «عملکرد بازار» با «میزان مشارکت مالی بخش خصوصی» به عنوان متغیر تابع، رابطه معنادار معکوس وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت شرایط آنومیک بر حوزه فعالیت‌های صنعتی، عملکرد دولت و عملکرد بازار، مشارکت مالی بخش خصوصی را در توسعه صنعتی کاهش داده است.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت مالی بخش خصوصی، شرایط آنومیک، عملکرد دولت، عملکرد بازار.

## مقدمه و بیان مسأله

هدف مقاله حاضر بررسی مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی از انقلاب اسلامی (1357 ه.ش) تا کنون و علل و عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعتی و ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت بخش خصوصی در صنعت است.

بالاترین نرخ رشد ارزش افزوده با حدود 30 درصد در بخش صنعت ایران طی سه دهه گذشته و در سال‌های 1355 و 1356 و کم‌ترین آن به میزان منفی 15 درصد در سال‌های 1357 و 1358 اتفاق افتاده است؛ متوسط رشد ارزش افزوده صنعت از تولید ناخالص داخلی 14/5 درصد بوده که در مقایسه با ارزش افزوده صنعت از تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته با رقم 25/7 و کشورهای در حال توسعه با رقم 20/3 درصد بسیار پایین‌تر بوده است. متوسط رشد سرانه تولیدات صنعتی ایران در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا در حدود یک سوم بوده است (نیلی و دیگران، 1382 : 52-105). سهم کارگاه‌های صنعتی بسیار کوچک و کوچک از کل کارگاه‌های صنعتی کشور در مقابل سهم کارگاه‌های صنعتی متوسط و بزرگ<sup>1</sup> از نظر تعداد 99 به 1 بوده است (نتایج آمارگیری از کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر - 1385) و از سال 1383 به این طرف (همزمان با روی کار آمدن دولت نهم) گرایش به سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و زودبازده تقویت شده است (خلاصه تحولات اقتصادی کشور، 1388).

رتبه ایران در بین کشورهای جهان از نظر سهم محصولات صنعتی با فناوری بالا از کل صادرات آن در سال 1386 بسیار پایین یعنی 84 بوده و تاکنون نیز ثابت مانده است (مقایسه برخی شاخص‌های اقتصاد ایران با برخی کشورهای منتخب، 1387) و سهم صنایع متکی به مواد خام طبیعی و برخوردار از فناوری پایین مانند گازها (میعانات گازی) در سال 1385 حدود 33 درصد از کل تولیدات صنعتی ایران بوده است (آمار صادرات کالاهای صنعتی و معدنی در سال 1385). در سال‌های 1385 و 1386، رتبه نخست کالاهای وارداتی به بنزین و رتبه نخست کالاهای صادراتی به

1- منظور از کارگاه‌های بسیار کوچک (کارگاه‌های با 1 تا 9 نفر کارکن)، کارگاه‌های کوچک (کارگاه‌های با 10 تا 49 نفر کارکن)، کارگاه‌های متوسط (کارگاه‌های با 50 تا 99 نفر کارکن) و کارگاه‌های بزرگ (کارگاه‌های با 100 نفر کارکن و بیشتر) است.

محصولات صنعتی از نوع (RB)<sup>1</sup> مانند گازهای بوتان و پروپان اختصاص داشته است (عملکرد 8 ساله گمرک، 1387). حدود 60 درصد قطعات خودرو 206 و 10 درصد خودروی پراید به عنوان نمونه هایی از صنعت خودروسازی کشور وارداتی بوده است (مصاحبه با مدیر کل صادرات وزارت صنایع و معادن، 1387). در نهایت این که، تراز بازرگانی خارجی کشور از مقایسه واردات با صادرات غیرنفتی در سال 1386 با کسری مبلغ 33153/60 میلیون دلار، منفی بوده است (بررسی اجمالی عملکرد بازرگانی خارجی کشور در دوازده ماهه سال 1386).

می توان گفت توسعه صنعتی ایران از روندی ناپایدار و بی ثبات برخوردار بوده و گرایش کلی آن به سوی رشد و گسترش صنایع کوچک<sup>2</sup> است، سطح فنآوری آن بسیار پایین و توسعه صنعتی آن وابسته به خارج و برونزا است. حتی در صنایعی مانند خودروسازی (که تنها برگ برنده صنعت کشور به حساب می آید) نیز وابستگی به خارج شدید است به ویژه در خودروهایی مانند خودرو سواری پژو 206 که از کیفیت نسبتاً بهتری برخوردار است. مقدار تولیدات صنعتی فعلی آن بیشتر مصرف داخلی داشته تا جنبه صادراتی، از این رو صنعت ایران اساساً درون گرا و غیر رقابتی است و نتوانسته است از نظر توسعه صنعتی به سطح کشورهای نیمه حاشیه ای (کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای جنوب شرقی آسیا) ارتقا یابد و همچنان در زمره کشورهای حاشیه ای قرار دارد.

1 - مسعود نیلی به نقل از لال (Lall) صنایع را بر اساس نوع فنآوری آن به 4 دسته تقسیم کرده است: 1 - فنآوری منبع گرا (RB)؛ محصولات آن ساده و کاربر هستند البته گاهی هم ممکن است سرمایه بر و نیازمند مهارت پیشرفته تر باشند. این نوع صنایع به دودسته، RB1 مانند محصولات حاصل از مواد کشاورزی و RB2 مانند محصولات حاصل از پالایش نفت یا تولیدات مدرن مواد غذایی که ممکن است به سرمایه یا مهارت پیشرفته نیز نیاز داشته باشند، تقسیم می شوند. 2 - فنآوری ساده (LT)؛ این نوع صنایع شامل دو دسته LT1 مانند نساجی، پوشاک و کفش و LT2 سایر محصولات با فنآوری پایین، می شود. 3 - فنآوری متوسط (MT)؛ شامل سه دسته MT1 مانند خودروسازی، MT2 مانند صنایع شیمیایی و فلزات پایه، MT3 سایر محصولات، می شود. 4 - فنآوری پیشرفته (HT)؛ به دو دسته HT1 مانند الکترونیکی و HT2 سایر محصولات، تقسیم می شود (نیلی و دیگران، 1382: 625 و 626).

2- اتخاذ و اعمال رویکرد توجه و تمرکز بر روی کارگاههای کوچک صنعتی، در جوامع توسعه یافته طی فرآیندی طبیعی اتفاق افتاده است. به این معنا که چنین جوامعی پس از این که از نظر سرمایه گذاری در کارگاههای بزرگ و حتی متوسط اشباع شدند به کارگاههای کوچک توجه کردند. اما آنچه که در جامعه ایران اتفاق افتاده است برعکس آن است، یعنی از همان ابتدا توسعه صنعتی ایران همراه با غلبه کارگاههای کوچک بوده است و این امر می تواند بر خلاف جوامع توسعه یافته، خود یکی از نشانه های عدم توسعه صنعتی و همینطور مشارکت پایین بخش خصوصی در توسعه صنعتی ایران باشد.

به عقیده کارشناسان یکی از موانع اصلی عدم توسعه صنعتی ایران، مشارکت پایین و غیرمؤثر بخش خصوصی در آن است. چنان که هر چه از کارگاه‌های کوچک به سمت کارگاه‌های بزرگ تر حرکت می‌کنیم سهم کارگاه‌های خصوصی نیز از 99/7 درصد از کارگاه‌های بسیار کوچک به 87 درصد از بنگاه‌های بزرگ تقلیل پیدا می‌کند (نتایج آمارگیری از کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر - 1385). در حالی که هرچه از سطح کارگاه‌های کوچک به سطح کارگاه‌های بزرگ می‌رویم سهم کارگاه‌ها در صنعت بر اساس شاخص‌هایی مانند تعداد کارکنان از 25/1 درصد به 63/2 درصد، ارزش افزوده از 11 درصد به 82 درصد و ارزش ستانده نیز از 11 درصد به 83 درصد افزایش می‌یابد (تعداد بنگاه‌های صنعتی 10 نفر کارکن و بیشتر کشور در سال 1385)، این امر ضمن این که نشان می‌دهد کارگاه‌های بزرگ صنعتی از اهمیت بیشتری در توسعه صنعتی برخوردار هستند، نشان می‌دهد که بخش خصوصی در آن مشارکت کمتری دارد.

از سوی دیگر بیشترین کارگاه‌های بخش خصوصی در گروه‌های صنعتی تولید محصولات کانی غیر فلزی با حدود 28 درصد فعال است و بیشترین کارکنان شاغل در کارگاه‌های صنعتی کوچک متعلق به بخش خصوصی، در گروه صنعتی تولیدی وسایل نقلیه موتوری و تریلر و... با حدود 15 درصد، مشغول فعالیت هستند (نتایج آمارگیری از کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر - 1385)، که این امر بدین معنی است که فعالیت بخش خصوصی بیشتر در صنایع با فنآوری منبع‌گرا یا حداکثر با فنآوری ساده است. همچنین بخش خصوصی در گروه‌های صنعتی مولد مایحتاج نظامی و امنیتی مانند سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی فعالیت محسوسی ندارد، در حالی که در کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، امروزه حدود 500 شرکت خصوصی وجود دارند که در زمینه‌های گوناگون «صنعت نظامی خصوصی شده» فعالیت دارند (شرکت‌های قهرمان: ظهور صنعت نظامی خصوصی<sup>1</sup> 2009)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعتی جامعه ایران از نظر کمی و کیفی پایین است و همین‌طور بخش خصوصی چندان مورد اعتماد نیست. لذا این سؤالات مطرح شدند که روند مشارکت بخش خصوصی به ویژه از نظر مالی در توسعه صنعتی ایران در پس از انقلاب اسلامی تا کنون چگونه بوده است؟ و چه موانع اجتماعی پیش روی مشارکت مالی بخش خصوصی وجود داشته و دارند؟

1- The Corporate Warriors: The Raise of Privatized military Industry

### قلمرو تحقیق

در تحقیق حاضر در دو سطح کلان (کل جامعه ایران) و میانه (سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی) و در بازه زمانی 1357 تا 1389 به بررسی مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی پرداخته شده است.

### مباحث نظری

در قسمت مباحث نظری، نظریاتی مانند نظریه وابستگی و توسعه نیافتگی<sup>1</sup> (فوران، 1383: 23-24)، نظریه نظام جهانی<sup>2</sup> (همان مأخذ، 1383: 24-25 و ریتزر، 1384: 247-252)، نظریه توسعه ناموزون<sup>3</sup> (سیف الهی، 1381: 75-97) و نظریه آنومی<sup>4</sup> (توسلی، 1382: 33) مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. مهم ترین انتقادات وارد به نظریه نظام جهانی ایمانوئل والرشتاین عبارت بودند از: 1- انتقال مازاد سرمایه از جامعه ایران، به عنوان یک کشور حاشیه ای، در سه دهه اخیر تنها به سمت جوامع مرکزی یا حتی نیمه حاشیه ای در حرکت نبوده است، بلکه بر خلاف نظریه نظام جهانی، سمت و سوی انتقال مازاد سرمایه از کشوری مانند ایران به عنوان یک کشور حاشیه ای در جهت جوامع حاشیه ای دیگر نیز بوده است. به عنوان مثال، بخش قابل توجهی از مازاد سرمایه به ویژه در سال های اخیر به سوی کشورهایمانند امارات متحده عربی سرازیر شده و می شود<sup>5</sup> که نه تنها جزو مناطق مرکزی نبوده بلکه بر اساس شاخص های متعددی از نظر توسعه اقتصادی - اجتماعی و صنعتی دارای جایگاهی پایین تر از ایران نیز هست. 2- انتقال مازاد سرمایه از ایران، نه تنها تماماً به سوی کشورهای مرکزی با نظام سرمایه داری نبوده، بلکه به سوی کشورهای مرکزی با نظام غیر سرمایه داری (مخالف سرسخت نظام سرمایه داری) نیز در گذشته و حال بوده است.

چنان که با مطالعه روابط شوروی سابق با جوامع اقماری آن می توان دریافت جریان انتقال مازاد سرمایه از بسیاری از جوامع اقماری و حاشیه ای آن به این مرکز (که قبلاً دارای نظام سوسیالیستی بوده

1 -dependent development theory

2 -world-system theory

3 -Uneven-Development theory

4 -Anomie

5- امارات متحده عربی در سال های گذشته و حال حاضر با داشتن سهم 26/6 درصدی از کالاهای صادراتی به ایران، رتبه نخست را داشته است (گزارش تحلیلی «صادرات غیرنفتی 60 درصد افزایش یافت چنین رتبه اول صادرات ایران را به خود اختصاص داد»، 1389)

و علی رغم این که پس از فروپاشی خود در جهت گذار به اقتصاد آزاد تلاش نموده است اما هنوز راه طولانی برای تحقق چنین امری در پیش روی دارد) وجود داشته و دارد. جامعه ایران (اگرچه هرگز و به طور کامل از اعمار آن نبوده و نیست) در گذشته در رابطه اش با شوروی سابق و در حال حاضر و به ویژه در سه دهه ی اخیر نیز در رابطه اش با روسیه<sup>۱</sup>، در مدار وابستگی با این جامعه ی مرکزی قرار گرفته و حاصل آن انتقال مازاد اقتصادی قابل توجه از جامعه ی ایران به آن از گذشته تاکنون بوده است. در نتیجه برقراری چنین فرآیندی و انتقال مازاد سرمایه که از لوازم اصلی مشارکت مالی بخش خصوصی و دولتی در صنعت می باشد کشور سرمایه خود را از دست داده و ناتوان از توسعه صنعتی به ویژه با محوریت و مشارکت بخش خصوصی گردیده است.

در نهایت و با بهره گیری از نظریات فوق رویکرد نظری وابستگی - آنومیک<sup>۲</sup>، اتخاذ و در چهارچوب آن کار ادامه یافت. زیرا اعتقاد بر این بود که جامعه ایران در یک موقعیت وابستگی توأم با حاکمیت شرایط آنومیک قرار گرفته است. در چنین شرایطی، ضمن این که بخش خصوصی نمی تواند به آسانی به منابع جدید فناوری و دانش و تجربیات دیگران دسترسی پیدا نماید تا به راحتی به روز شده و توانایی رقابت در عرصه جهانی را داشته باشد با شرایط نابسامان، به هم ریخته و نامنم داخل جامعه ایران نیز مواجه گردیده که نمی تواند آن را پیش بینی نماید از این رو میل به مشارکت مالی در توسعه صنعتی کاهش یافته و موجب کاهش مشارکت آن می گردد.

### روش تحقیق

در این تحقیق از چند روش متفاوت اسنادی<sup>۳</sup>، پیمایشی<sup>۴</sup> و میدانی<sup>۵</sup> به صورت ترکیبی استفاده شده است (سیف اللهی، 1388: 95-90) برای تعیین روایی<sup>۶</sup> ابزار پرسشنامه از روش

1- روسیه در سال 1386 مقام هشتم صادرات کالا به ایران را داشته است (گزارش عملکردی مقدار و ارزش واردات بر حسب کشورهای مبدا در سال 1386)، ضمن این که روشن نیست که آیا صادرات نظامی نیز در این آمار لحاظ شده است یا خیر؟

2 Anomic-Dependency Approach

3 -Documentary Method

4 -Social Survey Method

5 -Field Research Method

6 -Validity

اعتبار محتوا<sup>۱</sup> و برای تعیین میزان پایایی<sup>۲</sup> آن از آلفای کرونباخ<sup>۳</sup> (کلانتری، ۱۳۸۲: ۷۶ - ۷۷) استفاده شده است.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه مؤسسات و بنگاه‌های صنعتی خصوصی (منهای بنگاه‌های متعلق به دولت و آستان قدس رضوی) استان خراسان سابق که در حال حاضر به سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تقسیم شده است، می‌شود. اما بنا به دلایلی چند جامعه آماری تحقیق حاضر به تعداد صنایع مستقر در مراکز ۳ استان فوق یعنی ۳ شهرستان مشهد، بیرجند و بجنورد و ۲ شهر بزرگ مستقر در خراسان رضوی یعنی شهرستان‌های نیشابور و سبزوار تعدیل گردید که با دارا بودن تعداد ۴۳۷۳ بنگاه صنعتی خصوصی حدود ۷۸ درصد کل صنایع مذکور را به خود اختصاص داده‌اند (سی دی اطلاعات آماری بنگاه‌های صنعتی کشور، ۱۳۸۸/۴/۲۰).

برای محاسبه جمعیت نمونه از فرمول نمونه‌گیری طبقه‌ای  $n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$  (سرای، ۱۳۷۲: ۱۳۶ - ۱۳۸) استفاده گردید، چنان که پس از محاسبه ی پیش برآورد واریانس چند متغیر مربوط به پرسشنامه مقدماتی، بالاترین رقم واریانس که مربوط به متغیر «اعمال تحریم» و به مقدار ۰/۰۹۵ درصد بود به عنوان مقدار پیش واریانس در نظر گرفته شد. بنابر این:

$$n = \frac{4373 \times 3/84 \times 0.095}{4373 \times 0.0025 + 3/84 \times 0.095} = \frac{1595}{10/93} = 146$$

N = ۴۳۷۳ جامعه آماری

t = ۱/۹۶۹۶ مقدار اشتباه استاندارد میانگین

= ۰/۹۵ ضریب اطمینان قابل قبول

d = ۰/۰۵ فاصله اطمینان مطلوب (درصد خطا)

s<sup>۲</sup> = ۰/۰۹۵ پیش برآورد واریانس متغیر اعمال تحریم

- 
- 1 -Content Validity
  - 2 -Reliability
  - 3 -Cronbachs Alpha

تعداد نمونه معادل 146 نفر از مالکان یا سهام‌داران بنگاه‌های صنعتی فوق مشخص گردید. که در تخصیص نمونه به شهرستان مشهد تعداد 117 مورد، نیشابور تعداد 13 مورد، سبزوار تعداد 7 مورد، بیرجند تعداد 6 مورد و بجنورد تعداد 3 مورد از جمعیت نمونه اختصاص یافت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسشنامه، از نرم افزار SPSS و دو نوع آماره توصیفی و استنباطی مانند آزمون مقایسه‌ی میانگین‌ها (تی تست)، تحلیل واریانس، تحلیل همبستگی و رگرسیون چند متغیری استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

دستاورد‌های حاصل از مطالعات پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه در دو قسمت توصیفی و تبیینی بیان شده است.

### توصیف

نتیجه مطالعه نشان داد که از کل تعداد پاسخ‌گویان حدود 97 درصد مرد و حدود 3 درصد آن زن هستند، رشته‌ی تحصیلی حدود 33 درصد آنان ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با رشته‌ی فعالیت آنان دارد و مابقی آنان ارتباطی ندارد، شغل قبلی حدود 18 درصد آنان در ارتباط مستقیم با شغل فعلی آن‌ها است و مابقی آنان ارتباطی ندارد. میانگین سنی آن‌ها معادل 42 سال، میانگین میزان تحصیلات‌شان معادل کاردانی، نمره میانگین متغیرهای «میزان آنومی»، «ارزیابی شان از عملکرد دولت»، «ارزیابی شان از عملکرد بازار»، «ارزیابی شان از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با فعالیت‌های صنعتی»، «ارزیابی شان از پیامدهای اعمال تحریم‌ها بر صنعت» و «مشارکت مالی شان» به ترتیب 3/3، 3/1، 3/3، 3، 2/8 و 1/4 از نمره 4 است.

### تحلیل دو متغیری

با توجه به مقدار  $t$ ،  $F$  و  $r$  فرضیات جدول زیر و مقدار معنی داری هر یک از آن‌ها در مطالعه پیمایشی، و دستاورد‌های حاصل از روش مطالعات اسنادی، مصاحبه و میدانی، فعلاً تأیید شده‌اند.



جدول 1. فرضیه های تأیید شده تحقیق

ردیف	فرضیه	آماره t ، r یا F	مقدار sig	نتیجه
1	میزان مشارکت مالی افراد سرمایه گذار در صنعت بر حسب جنسیت متفاوت است.	2/6	0/01	تایید
2	بین ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با فعالیت های صنعتی با میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در صنعت رابطه مثبت وجود دارد.	0/18	0/05	تایید
3	بین میزان وجود آنومی در بخش خصوصی و میزان مشارکت مالی آنان در صنعت رابطه معکوس وجود دارد.	0/19	0/02	تایید
4	بین ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد دولت و میزان مشارکت مالی آنان در توسعه صنعتی رابطه منفی وجود دارد.	0/16	0/05	تایید
5	بین ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد بازار و میزان مشارکت مالی آنان در توسعه صنعتی رابطه منفی وجود دارد.	0/16	0/05	تایید
6	بین میزان وجود آنومی در بخش خصوصی و ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد دولت رابطه معکوس وجود دارد.	0/37	0/00	تایید
7	بین میزان وجود آنومی در بخش خصوصی و ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد بازار رابطه معکوس وجود دارد.	0/45	0/00	تایید
8	بین ارزیابی افراد سرمایه گذار از عملکرد دولت و ارزیابی افراد سرمایه گذار از عملکرد بازار رابطه وجود دارد.	0/41	0/00	تایید

## رگرسیون چندگانه

برای تحلیل رگرسیون از روش پسترو استفاده شده است. در مدل اول تمام متغیرهای مستقل (14 متغیر) وارد مدل شدند که در مجموع 92 درصد از واریانس متغیر تابع را تبیین کردند. اما در مدل نهایی مقدار ضریب تعیین حدود 0/4 درصد بود، یعنی حدود 40 درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق «میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی» توسط 2 متغیر مستقل (سن با میزان اثرگذاری یا وزن 59 درصد و میزان آنومی با میزان اثرگذاری یا وزن منفی 66 درصد) پیش بینی شد.

حدود 60 درصد واریانس متغیر وابسته دیگر نیز توسط 12 متغیر مستقل دیگر تحقیق پیش بینی شد. لذا، معادله رگرسیونی مدل نهایی این گونه شد:

$$Y = 5/2 - 0/66 (\text{آنومی}) + 0/59 (\text{سن}) \quad \text{فرمول 1}$$

### بحث در نتایج کمی

متغیر تابع این تحقیق میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی است که دو بعد دارد، یک بعد آن مقدار مشارکتی است که اتفاق افتاده است (بر اساس نتایج حاصل از مطالعات پیمایش میانگین نمره 1/4 از مقدار 4 نمره بوده است) و بُعد دیگر آن مقدار مشارکتی است که اتفاق نیفتاده است (اگر نمره میانگین مشارکت را از 4 یعنی نمره آرمانی مشارکت کم کنیم معادل 2/6 به دست می آید) که می توانیم آن را مقدار عدم مشارکت بنامیم. این دو بعد از مشارکت، دو روی یک سکه هستند که هر یک از آن ها تحلیل خاص خود را دارد و متغیرهای مؤثر بر آن ها را می توان به دو دسته متغیرهای تسهیل کننده و متغیرهای بازدارنده تقسیم نمود:

1 - متغیرهای تسهیل کننده مشارکت؛ با توجه به این که نتیجه آزمون نشان داد بین متغیرهای «جنسیت» و «ارزیابی افراد سرمایه گذار از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با فعالیت های صنعتی با متغیر تابع وجود دارد. لذا می توان گفت که مقدار مشارکت مالی فعلی بخش خصوصی در توسعه صنعتی که معادل 1/4 می باشد، تحت تأثیر جنسیت (مرد بودن) و ارزیابی از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با فعالیت های صنعتی اتفاق افتاده است و این دو عامل را می توان به عنوان عوامل تسهیل کننده و مشوق مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی معرفی کرد.

2 - متغیرهای بازدارنده یا موانع مشارکت؛ نقطه مقابل میزان مشارکت فعلی، میزان عدم مشارکت مالی فعلی بخش خصوصی در توسعه صنعتی است. با توجه به این که نتیجه آزمون فرضیه ها بر اساس مطالعات پیمایشی (و تأیید آن توسط مطالعات اسنادی و مشاهده) نشان داد متغیرهایی مانند میزان آنومی، ارزیابی از عملکرد دولت، ارزیابی از عملکرد بازار رابطه معنادار منفی و معکوس با متغیر تابع دارند و این به معنای این است که میزان بالای آنومی، عملکرد منفی و آنومیک دولت و عملکرد منفی و آنومیک بازار موجب گردیده تا افراد سرمایه گذار از مشارکت مالی بیشتر در توسعه صنعتی امتناع کنند، لذا می توان این سه متغیر را به عنوان موانع مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه

صنعتی و به عبارت دیگر علل عدم مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی، در تحقیق حاضر معرفی کرد.

### یافته های تحقیق

در این قسمت از تحقیق ابتدا به بررسی و تحلیل روند مشارکت مالی بخش خصوصی، سپس به بررسی و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر آن یا همان عوامل بازدارنده و موانع مشارکت مالی بخش خصوصی پرداخته شده است.

### روند مشارکت مالی بخش خصوصی از انقلاب اسلامی تا کنون

با توجه به این مطالب که میانگین سرمایه گذاری بخش خصوصی طی سال های 1367 - 1357 با نرخ رشد منفی 1/53 درصدی همراه بوده است (که در این دوره برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی وجود نداشته است) و این رشد منفی با رقم 4/55 درصد طی سال های 1373 - 1368 (که همزمان با تصویب و اجرای برنامه پنج ساله اول بوده) ادامه یافته است اما از آن پس و طی سال های 1378 - 1374 (که مقارن با برنامه دوم پنج توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده است) از رشد مثبت 17/81 درصد برخوردار شده است و طی سال های 1383 - 1379 (که مقارن با برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده) همچنان با نرخ رشد مثبت، اگر چه پایین تر از قبل، یعنی 13/52 درصد ادامه یافته است و از سال 1384 به این طرف (که مقارن با برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده است)، اگر چه اطلاعات لازم از این دوره در دسترس نیست (دشتی، 1387: 36 - 41)، به اعتقاد کارشناسان سرمایه گذاری بخش خصوصی تا سال 1387 از رشد مثبت چشمگیر برخوردار بوده اما پس از آن و در سال های اخیر از رشد منفی شدیدی برخوردار گشته است.

میانگین سرمایه گذاری بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی طی سال های 1358 - 1384 از میانگین نوسان 20 درصدی برخوردار بوده است (همان مأخذ: 50). سرمایه گذاری در صنعت از سال 1357 (پیروزی انقلاب اسلامی) تا سال 1367 (پایان جنگ) از رشد منفی 8 درصد، از سال 1368 تا 1372 (برنامه اول توسعه) از رشد مثبت 33/4 درصد و از سال 1374 تا 1378 از رشد منفی 8/9 درصد برخوردار بوده است (نیلی و دیگران، 1382: 225) و طی سال های 1378 تا

1387 نیز که مقارن با برنامه های سوم و چهارم توسعه بوده است، از میانگین رشد حدود 47 درصدی برخوردار بوده است (گزارش عملکرد شاخص های مهم صنعت و معدن، 1388 و گزارش شماره 56 بانک مرکزی، 1388: 8)، صنعت کشور بر حسب تعداد پروانه بهره برداری در سال 1379 رشد منفی 4 درصدی را و در سال 1384 نرخ رشد مثبت 22/3 درصدی را و در سال 1387 (درست 3 سال بعد) نرخ رشد منفی 6 درصدی نسبت به سال قبل را تجربه کرده است (همان مأخذ) و رشد صنعت بر حسب جواز تاسیس واحدهای صنعتی در سال 1386 با رشد منفی 11/3 درصد و در سال 87 نیز با رشد منفی 45/7 درصد روبه‌رو شده است (صادق الحسینی، 1388/12/12: 1).

مطالب منتشره در مصاحبه های خبری که با مسؤولان، متولیان و متخصصان صنعت صورت گرفته است مانند: اخراج کارگران صنعتی در سال 1388 از رشد 70 درصدی برخوردار بوده است. نهصد هزار نفر از کارگران صنعت برق در آستانه بیکاری قرار دارند. در دهه 70 شرکت هایی ایجاد شد که شاخص بودند، اما در دهه 80 چنین اتفاقی رخ نداد. در حال حاضر بیش از 90 درصد از صنایع خراسان رضوی با 50 درصد زیر ظرفیت اسمی فعالیت می کنند. بسیاری از تولیدکنندگان تجهیزات برقی به فکر خروج از کشور هستند. بعد از انقلاب 24 واحد تولید چینی داشتیم که دقیقاً 15 واحد آن یعنی حدود 70 درصد تعطیل شده است (منبع هر یک از عبارات های فوق به ترتیب گزارش های خبری هستند که در قسمت فهرست منابع آمده‌اند)، می توان نتیجه گرفت که روند مشارکت مالی بخش خصوصی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رشد منفی، خروج از مشارکت که توأم با تعطیلی کارگاه های صنعتی و بیکاری کارگران و کارکنان آن، کاهش ظرفیت تولیدشان و حتی خروج افراد سرمایه گذار از کشور بوده، آغاز گردیده است، بعد از حدود دو دهه افزایش مشارکت مالی بخش خصوصی، مجدداً و در حال حاضر به رشد منفی، خروج از مشارکت که توأم با تعطیلی بسیاری از کارگاه های صنعتی و بیکاری کارگران و کارکنان آن و کاهش ظرفیت تولید شان بوده و حتی خروج افراد سرمایه گذار از کشور، رسیده است. چنان که نتیجه مطالعات پیمایشی نیز نشان داد که نمره میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در حال حاضر پایین و نمره ی آن 1/4 از نمره 4 است و حضور بخش خصوصی در عرصه فعالیت های صنعتی بیشتر از روی ناچاری و توأم با اضطراب و نگرانی از آینده است.

## عوامل و موانع اجتماعی مؤثر بر مشارکت مالی بخش خصوصی آنومی

با توجه به این که دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی را به دلیل لغو برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی رژیم قبل و عدم جایگزینی برنامه ای جدید می توان «سال های بدون برنامه یا بدون هنجار و قاعده» نام گذاری کرد، دوره دوم را که از سال 1368 و با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق آغاز گردید، به دلیل تدوین و اجرای اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی پنج ساله کشور در پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ادامه این وضعیت تا پایان سال 1383 را می توان دوره «فعالیت های اقتصادی - صنعتی بهنجار» یا در چارچوب قواعد مصوب نامید، دوره سوم را که از سال 1384 به این طرف آغاز گردید و مقارن با برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی بود (دستی، 1387: 36 - 41)، به دلیل تردیدهایی که از سوی دولت وقت در اجرای آن حاصل گردید و برای حرکت در چارچوب آن تعلل شد، می توان «دوره ی بحران هنجاری» نامید و دوره ی آخر را که با پایان زمان برنامه پنج ساله پنجم و از اواخر سال 1388 آغاز گردید با توجه به این که برنامه پنج ساله پنجم به پایان رسیده است اما برنامه پنج ساله ششم هنوز در مجلس شورای اسلامی در انتظار بررسی است (خبرگزاری کار ایران، 1389/2/18)، می توان دوره «سال های بدون برنامه یا بدون هنجار و قاعده» نام گذاری کرد، و همین طور در مطالعات مصاحبه ای، مصاحبه شوندگان اعتقاد داشتند که برنامه و استراتژی مدون و با ضمانت اجرایی کافی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی وجود ندارد، یک سند چشم انداز 20 ساله هست که هرگز در چارچوب آن حرکت نشده است، لذا چون در اقتصاد کلان کشور هدف گذاری نشده است و به تبع آن استراتژی معینی برای حرکت و توسعه صنعتی نیز تعریف نشده است در نتیجه سردرگم هستیم و نمی دانیم باید به کدام جهت و چگونه حرکت کنیم. و مطالب منتشره در مصاحبه های خبری که با مسؤولان، متولیان و متخصصان صنعت صورت گرفته است مانند: چون تکلیف ایران از نظر عضویت در سازمان تجارت جهانی روشن نیست لذا از نظر تعرفه ها و مابه التفاوت نرخ ارز بلا تکلیف هستیم (مصاحبه با دبیر کل انجمن صنایع نساجی، 1387/5/3). سیاست های اقتصادی نادرست، عدم اطمینان در سرمایه گذاری ها را به دنبال داشته است (همان مأخذ)، رتبه ایران از نظر میزان سهولت کسب و کار در میان 183 کشور جهان پایین، یعنی 137 است (غنی نژاد، 1389/2/19)، و این که در مطالعات مصاحبه ای، مصاحبه شوندگان اعتقاد داشتند که قوانین موجود باید به گونه ای اصلاح شوند که انگیزه لازم برای سرمایه گذاری را در

سرمایه گذاران ایجاد کند، به عبارتی بسیاری از قوانین موجود باید کنار گذاشته شوند و یکسری قوانین بروز، کارآمد و منطبق با واقعیت های جهانی جایگزین آن ها شوند.

قوانین موجود به طور درست و دقیق اجرا نمی شوند، صنعت گران مطلقاً اطمینانی به آینده ندارند، در مواردی ناچارند به بیمه و همه ادارات دولتی، کلک بزنند و دروغ بگویند. می توان نتیجه گرفت که جامعه ایران سه دهه اخیر را با فعالیت در یک فضای بی برنامه، آنومیک و بی هنجار آغاز نموده است، پس از یک دوره فعالیت در فضایی به نسبت بهنجار، دوباره به همان شرایط آنومیک و بی هنجار ابتدای سه دهه اخیر برگشته است.

همین طور می توان گفت جامعه ایران در یک فضای بی برنامه، آنومیک، بی هنجار و بلا تکلیف برای فعالیت های اقتصادی - اجتماعی و صنعتی خود بسر برده است، زیرا از اساسی ترین هنجارهای مرتبط با فعالیت های صنعتی که شامل مواردی مانند عضویت در سازمان تجارت جهانی در عرصه بین المللی، برنامه های چشم انداز 20 ساله و برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و ... در سطح ملی می شود، گرفته تا هنجارهای مراتب پایین تر مانند قوانین و مقرراتی که سازمان های دولتی مختلف مرتبط با صنعت اعمال می کنند، تماماً مورد تردید، معطل، غیرشفاف، ناکارآمد، کهنه و ... بوده و هستند و این موجب شده است که فعالان بخش صنعت در حال حاضر فضای فعالیت صنعتی خود را دشوار، غیرشفاف، ناامن و بدون حساب و کتاب ارزیابی کنند که بیان گر حاکمیت شرایط آنومیک در عرصه فعالیت های اقتصادی و صنعتی ایران است.

چنان که مطالعات پیمایشی نیز نشان داد که نمره میانگین متغیر «آنومی» بالا یعنی حدود 3/3 از نمره 4 است. اما در باره رابطه متغیر آنومی با متغیر وابسته روند مشارکت مالی بخش خصوصی می-توان گفت بین فرآیند مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی و متغیر آنومی در سه دهه اخیر و حال حاضر پیوندی قوی، اما معکوس وجود داشته و دارد. چنان که در آغاز سه دهه اخیر با پیدایش شرایط آنومیک، مشارکت بخش خصوصی نیز کاهش یافته، پس از آن و با پیدایش و تثبیت شرایط بهنجار، مشارکت بخش خصوصی نیز افزایش یافته و ادامه یافته است، در نهایت در چند سال اخیر با پیدایش دوباره وضعیت آنومیک، مشارکت مالی بخش خصوصی نیز دوباره کاهش یافته است. نتیجه مطالعات پیمایشی نیز نشان داد که در حال حاضر بین میزان آنومی و میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی در سطح 98 درصد رابطه معکوس معنادار وجود دارد، یعنی هر چقدر

میزان آنومی افزایش یافته است میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی نیز کاهش یافته است و بر عکس.

### عملکرد دولت نسبت به بخش خصوصی

با توجه به این که از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 تا پایان جنگ ایران و عراق در سال 1367، دوران بحران و جنگ بوده و دولت های وقت تمام همت شان اداره روزمره امورات جامعه بود لذا رویکرد خاصی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی نداشتند، از سال 1368 تا 1376 که دولت علی اکبر هاشمی رفسنجانی با رویکرد سازندگی سر کار بود، در کنار تلاش برای ترمیم خرابی های ناشی از جنگ، سعی کرد تا توسعه اقتصادی - اجتماعی را با اتکا به رشد اقتصادی محقق سازد، از سال 1376 تا 1383 که دولت سید محمد خاتمی سرکار بود با رویکرد اصلاحات سیاسی روی کار آمد و ادامه یافت، در سال 1384 دولت نهم به ریاست دکتر محمود احمدی نژاد با رویکرد عدالت اجتماعی روی کار آمد و تا به حال نیز که حدود یکسال و نیم از عمر دولت دهم می گذرد با همین رویکرد ادامه یافته است. و مطالب منتشره در مصاحبه های خبری که با مسؤولان، متولیان و متخصصان صنعت صورت گرفته است مانند: دخالت دولت در صنعت بسیار گسترده، غیرقابل پیش-بینی، سخت گیرانه، غیر متعهدانه و یک بعدی است (غنی نژاد، 1389/2/19)، و مصاحبه با رییس خانه صنعت و معدن ایران، (1386/2/6)، و این که در مطالعات مصاحبه ای، مصاحبه شوندگان اعتقاد داشتند که دولت ها با نگاه غیر تولیدی به صنعت دارند، اعتقادی به صنعت به عنوان زمینه ای برای توسعه کشور ندارند، با صنعت به عنوان منبعی برای تأمین منابع مالی خود نگاه می کنند، درک صحیحی از بسترسازی برای رشد و توسعه صنعتی ندارند، با صنعت همکاری نمی کنند و نگاهی دلسوزانه به تولید ندارند، و برای واردات کالاهای بی کیفیت خارجی مجوز صادر می کنند، جایگاه بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی پایین است و دولت برای دستیابی آن به جایگاه واقعی خود مانع تراشی می کند و بخش خصوصی به بازیچه تبدیل شده است تا بازی گر، به قراردادهای یکطرفه و به نفع دولت تن می دهد، دولت بدهی های خود به بخش خصوصی را به عنوان یکی از بزرگترین خریداران محصولات صنعتی آن به موقع پرداخت نمی کند در نتیجه با عدم تزریق پول از طریق صنایع مرتبط با خود موجب کمبود نقدینگی در صنعت شده است.

عملکرد سازمان های دولتی متولی صنعت مسؤلانه، غیر متعهدانه، ناهماهنگ، غیر کارشناسی، تبعیض آمیز نسبت به افراد مختلف و همین طور شرکت های خصوصی و دولتی است، بانک ها بهره های با نرخ بالا دریافت می کنند و به موجودی بخش خصوصی در حساب های جاری بهره پرداخت نمی کنند در عوض به خاطر دیرکرد بازپرداخت وام های آنان جریمه دریافت می کنند، وثیقه های سنگین و غیرمنطقی برای اعطای وام طلب می کنند، نظام مالیاتی از اشخاص حقوقی به جای اشخاص حقیقی مالیات دریافت می کند، از تمامی درآمدها (به ویژه درآمد حاصل از واسطه گری) مالیات دریافت نمی کند، رفتار تبعیض آمیز با شرکت های خصوصی در مقایسه با شرکت های دولتی و مؤسسه های خیریه دارد، قوانین تشویقی ندارد، مالیات و عوارض متعدد دریافت می کند، نظام داوری میان مؤدی و مالیات گیرنده بیشتر به نفع دولت عمل می کند، ضریب مالیاتی به صورت یکسویه و بدون کارشناسی تعیین می شود و بدون چون و چرای از مؤدیان مالیاتی اخذ می گردد، وظیفه اخذ مالیات به تولیدکنندگان به جای فروشندگان نهایی کالاها تحمیل شده است، یارانه به جای بخش مولد به بخش مصرف پرداخت می شود و حتی بابت تأخیر در پرداخت مالیات جریمه اعمال می شود، دستگاه مالیاتی با مؤدیان مالیاتی بسیار بد برخورد می کند چنان که این امر حالت دزد و پلیس پیدا کرده است، بیش از حد از صنعت مالیات اخذ می شود و این امر به قیمت نابودی و ریشه کنی صنعت تمام می شود

هزینه خدمات عمومی مانند آبنما برق صنعتی بالاست و دولت امتیاز خاصی را برای آنان قائل نشده است، نظام قانون کار در روابط کاری بین کارگر و کارفرما دخالت یک سویه و بی چون و چرای دارد و فضایی مبتنی بر ظلم کارفرما به کارگر شکل داده است. و مطالعات اسنادی نشان داد که نظام تأمین اجتماعی بیمه بیشتری نسبت به سایر کشورهای صنعتی از کارفرما (27 در مقابل 15 درصد) اخذ می کند، حق بیمه را یک طرفه تعیین می کند، مطالبات سازمان را در زمره مطالبات ممتاز قرار داده و در مواقع لازم حق دارد آن را از طریق توقیف اموال، تعطیلی بنگاه صنعتی بدون مراجعه به محاکم قضایی وصول نماید و مدیریت تمام و کمال سازمان تأمین اجتماعی با تأمین کمتر از 10 درصد منابع درآمدی آن از سوی دولت در اختیار آن قرار گرفته است (نیللی و دیگران، 1382: 484 - 478)، می توان نتیجه گرفت که به این دلیل که دولت ها در سه دهه اخیر نتوانسته اند رویکرد واحدی را اتخاذ و به اجرا بگذارند و خط مشی ثابتی را برای کار و فعالیت ترسیم نمایند و همین طور قوانین و مقررات شفاف، کارآمد و با توافق بخش خصوصی صنعت را تدوین و به اجرا بگذارند و در



مقابل دخالت خود را همواره گسترش داده اند همواره عملکردی خارج از قاعده، آنومیک و در کل منفی نسبت به مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی داشته اند. چنان که نتیجه حاصل از مطالعات پیمایشی نیز نشان داد میانگین نمره ارزیابی صاحبان صنعت از عملکرد دولت حدود 3/1 از نمره 4 است، یعنی ارزیابی آنان از عملکرد دولت در قبال صنعت در حد زیادی منفی است.

اما درباره رابطه متغیر عملکرد دولت با متغیر وابسته روند مشارکت مالی بخش خصوصی می توان گفت بین فرآیند مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی و متغیر عملکرد دولت در سه دهه اخیر و حال حاضر پیوندی قوی، اما معکوس وجود داشته و دارد. چنان که در آغاز سه دهه اخیر با پیدایش شرایط بحرانی و ناتوانی دولت از اتخاذ رویکردی مشخص در قبال توسعه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت بخش خصوصی نیز کاهش یافته، پس از آن و با پیدایش رویکردهای توسعه اقتصادی و سیاسی در دولت های پنجم تا نهم، مشارکت بخش خصوصی نیز افزایش و ادامه یافته است، در نهایت در چند سال اخیر با پیدایش دوباره رویکرد متکی به عدالت اجتماعی، مشارکت مالی بخش خصوصی نیز دوباره کاهش یافته است. نتیجه مطالعات پیمایشی نیز نشان داد که در حال حاضر بین ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد دولت و میزان مشارکت مالی آنان در توسعه ی صنعتی رابطه منفی معنی دار در سطح 95 درصد وجود دارد، یعنی هر چهقدر ارزیابی افراد سرمایه گذار از عملکرد دولت نسبت به بخش خصوصی منفی تر بوده است میزان مشارکت مالی آنان در توسعه صنعتی نیز کاهش پیدا کرده است و برعکس.

#### عملکرد بازار نسبت به بخش خصوصی

با توجه به این که نتیجه مطالعات مصاحبه نشان داد اصلی ترین معضل بخش صنعت کمبود نقدینگی است و 96 درصد صنایع خراسان رضوی با کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش مواجه است، بسیاری از مدیران صنایع به خاطر چک های برگشتی شان فراری شده اند، نقدینگی کافی برای تهیه مواد اولیه وجود ندارد، گردش سرمایه در صنعت کند است، وصول مطالبات صنایع دشوار است، قانون چک ضعیف و تعداد چک های برگشتی بسیار زیاد است، بی اعتمادی شدید در بازار رواج یافته است، تعداد افراد سودجو و کلاهبردار در بازار زیاد شده است، سرمایه لازم برای پذیرش سفارش تولید محصولات وجود ندارد، بازار کساد است، نمی توان برای تولید برنامه ریزی کرد زیرا اطمینانی به برگشت مطالبات وجود ندارد.

بازار داخلی توسط کالاهای چینی اشغال شده است، در تأیید این که کالاهای چینی بازار را اشغال کرده است محقق از مجتمع الماس شرق که یکی از مراکز بزرگ عرضه ی انواع کالاهای مصرفی خانگی، تزئینی، پوشاک، آرایشی و بهداشتی، تفریحی، آجیل و غیره در شهر مشهد است و مشتمل بر 1200 باب مغازه در 6 طبقه است، مشاهده ای به عمل آورد که نتیجه آن نشان داد از تعداد 1200 باب مغازه ی فوق حدود 1020 مغازه یعنی حدود 85 درصد آن ها به عرضه کالاهای خارجی می پردازند که حدود 70 درصد کالاهایی که این مغازه ها عرضه می کنند چینی است که شامل لوازم آشپزخانه، ظروف کریستال و چینی، انواع عینک، کیف، ساک، چمدان، کوله پشتی، انواع اسباب بازی، محصولات نقره، تسبیح، انواع تابه رژیمی، پلوپز، ماساژور، چای ساز، قهوه ساز، رنده، خردکن، غذاساز، چراغ قوه، پاشنه کش، شانه، موجین، ناخن گیر، سوهان ناخن، قیچی، تیغ ابرو، جعبه آرایش، کنری لعاب دار، قوری چینی، پارچ و لیوان، قاشق و چنگال، انواع فلاسک استیل، اجاق گاز مسافرتی، ماشین اصلاح، ساعت رومیزی، ساعت دیواری، ساعت مچی، گلدان تزئینی، بخار شوی، ساندویچ میکر، سنگ پا و ماساژور دوکاره برقی، جاسویچی، وسایل شکار و صید مانند اسلحه، دوربین، منقل با سوخت ژله ای، وسایل مسافرتی و تفریحی مانند اجاق گاز، پیک نیک، انواع صندلی های تاشو، انواع لیف عروسکی و بزرگسال، انواع گلهای شیشه ای، انواع آچار و ابزار مانند چکش، انبر حتی گردو شکن و... می شود. همین طور مشاهدات محقق نشان داد که مواد اولیه ارزان قیمت غیرضروری و بی کیفیت مانند 300 تن رب فله ای بسیار ارزان قیمت که توسط یکی از کارخانه های کمپوت، کنسرو و رب در مشهد وارد شده است، و کالاهای بی نام و نشان مانند دوچرخه هایی که هم اکنون در بسیاری از فروشگاههای شهر مشهد قابل مشاهده است، وارد می شود.

مطالعات اسنادی نیز در این رابطه نشان داد که کشور چین از حدود 6 سال پیش به این طرف سالیانه تقریباً با یک پله صعود از مقام ششم صادر کنندگان کالا به ایران، در ردیف کشور آلمان قرار گرفته و اکنون به مقام دوم صادر کنندگان کالا به ایران صعود کرده است (گزارش عملکردی «مقدار و ارزش واردات بر حسب کشورهای مبدا در سال 1386»، و «صادرات غیرنفتی 60 درصد افزایش یافت چین رتبه اول صادرات ایران را به خود اختصاص داد»)، و دیگر این که میانگین نرخ تورم در 12 سال گذشته بالا یعنی 16/9 درصد بوده است (گزارش های شماره 39 و 21 بانک مرکزی جمهوری اسلامی: 11)، نرخ تورم ایران در منطقه خاورمیانه و در بین اقتصادهای در حال توسعه جهان اول است (شکری، 1385/6/1)، اقتصاد ایران از بی ثباتی در سطح کلان یعنی تورم صدمه

دیده است (نیلی و دیگران، 1382: 419 - 420)، کاهش نرخ تورم از 17 درصد به 8/6 درصد (متوسط برنامه 9/9 درصد) که یکی از اهداف مهم چشم انداز بیست ساله کشور و برنامه چهارم توسعه اقتصادی (مصاحبه با رئیس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا، 1389) اتفاق نیفتاده است.

نتیجه مطالعات مصاحبه ای با دست اندرکاران صنعت نشان داد که بی ثباتی شدید قیمت مواد اولیه و نوسان شدید بازار فرصت برنامه ریزی بلند مدت از صنعت را گرفته است، کالاهای خارجی به صورت قاچاق وارد می شود، استخدام کارکنان توسط خیلی از کارخانه ها و کارفرماها خارج از چارچوب قانون اتفاق می افتد، محصولات غیر استاندارد توسط برخی کارخانه ها تولید می شود و هیچگونه نظارتی هم بر کار آن ها نمی شود، رقابت در بازار فروش محصولات ناسالم است و نهایتاً مشتریان نسبت به تولیدات داخل بدگمان شده اند، می توان نتیجه گرفت که نظام بازار به این دلیل که نتوانسته است در سه دهه اخیر و حال حاضر از نرخ تورم شدید پیش گیری نماید و نگرانی تولیدکنندگان را از یک سو و خریداران را از سوی دیگر برطرف نماید، فضای رقابتی سالمی را به وجود آورد و در نهایت اعتماد مشتریان را نسبت به محصولات داخل جلب کند، واردات را کنترل و نیازهای وارداتی کشور را درست تشخیص دهد و از واردات بی رویه، غیرضروری، بی کیفیت و بی نام و نشان و تقلبی جلوگیری نماید، موجب نابسامانی و بهم ریختگی شرایط دادوستد شده است و این امر تأثیر منفی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در صنعت گذاشته است.

نتیجه حاصل از مطالعات پیمایشی نیز نشان داد که میانگین نمره ارزیابی صاحبان صنعت از عملکرد بازار حدود 3/1 از نمره 4 بوده است، یعنی ارزیابی آنان از عملکرد بازار در قبال صنعت در حد زیادی منفی است و در حال حاضر بین ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد بازار و میزان مشارکت مالی آنان در توسعه ی صنعتی رابطه منفی معنی دار در سطح 95 درصد وجود دارد، یعنی هر چقدر ارزیابی افراد سرمایه گذار از عملکرد بازار نسبت به بخش خصوصی منفی تر بوده است میزان مشارکت مالی آنان در توسعه صنعتی نیز کاهش پیدا کرده است و برعکس.

### بازبینی رویکرد نظری تحقیق

پس از آزمون، فرضیات مربوط به دو دسته عوامل برون جامعه ای و عوامل بین جامعه ای رد شدند و تنها فرضیاتی که فعلاً تأیید شده اند مربوط به عوامل درون جامعه ای هستند که تبیین کننده وضعیت

هنجاری جامعه ایران و نحوه تأثیرگذاری آن بر میزان مشارکت مالی بخش خصوصی در سه دهه اخیر در توسعه صنعتی هستند. به عبارتی متغیرهای مرتبط با نظریه های وابستگی و توسعه نیافتگی و نظریه نظام جهانی رد شدند، مثلاً ابتدا تصور بر این بود که متغیرهایی مانند ارزیابی افراد سرمایه گذار از پیامدهای منفی اعمال تحریم های خارجی بر میزان مشارکت مالی آنان تأثیر منفی داشته باشد اما پس از آزمون فرضیه، مشخص شد این متغیر تأثیر معناداری بر کاهش میزان مشارکت نداشته است، نتیجه حاصل از مطالعات مصاحبه ای نیز نشان داد که تحریم ها تأثیر داشته اند اما تأثیرشان معنادار نبوده است!

شاید یکی از دلایل آن، این باشد که بر خلاف حدود 5 دهه گذشته که نظریه وابستگی مطرح شد، جهان کنونی چند قطبی شده است و دیگر فناوری و منابع مالی تنها در اختیار کشورهای کانونی نیست، به ویژه این که در جریان مطالعات مشخص شد به دلیل پایین بودن سطح فناوری جامعه ایران، بسیاری از نیازهای صنعتی آن توسط کشورهای نیمه پیرامونی مانند چین، کره جنوبی، برزیل و... تأمین می شود، دلیل دیگر به سطح فعلی تحریم های بین المللی بر می گردد، زیرا کشورهایمانند آلمان که جزو کشورهای کانونی به حساب می آیند دست کم تا سال 1387 مقام دوم صادرات به ایران را داشته است (گزارش عملکردی مقدار و ارزش واردات بر حسب کشورهای مبدا در سال 1386) و این امر نشان می دهد تحریم های فعلی در حد کامل از سوی کشورهای کانونی اعمال نشده است و اگر در آینده این تحریم ها تشدید شود شاید بتواند تأثیر معناداری نیز بر میزان مشارکت داشته باشد.

از این رو می توان گفت دیدگاه وابستگی نتوانست حداقل در شرایط فعلی واقعیت پیش روی این تحقیق را تبیین نماید. همچنین پس از آزمون مشخص شد متغیرهایی مانند میزان انتقال مازاد اقتصادی تأثیر معناداری بر میزان مشارکت نداشته است و انتقال مازاد به خارج حداقل در بین افراد سرمایه گذار آن قدر زیاد نبوده است که بر میزان مشارکت تأثیر معنادار بگذارد، از این رو می توان گفت نظریه نظام جهانی نیز نتوانست در تبیین واقعیت پیش روی این تحقیق مددکار ما باشد. در نهایت پس از آزمون فرضیات مشخص شد عوامل درون جامعه ای رابطه علی معنادار با متغیر تابع دارند، اگرچه از بین مجموعه عوامل درون جامعه ای نیز تنها 2 متغیر مستقل «سن» (با میزان اثرگذاری یا وزن 59 درصد) و «میزان انومی» (با میزان اثرگذاری یا وزن منفی 66 درصد) در مدل نهایی آزمون

1- اطلاعات فوق مربوط به اواخر سال 1388 ه.ش، یعنی پیش از تصویب قطعنامه شماره 1929 شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اعمال تحریم های بیشتر است.

رگرسیون پذیرفته شدند و رابطه علی آنها با متغیر تابع تأیید شد (با این وصف که متغیر آنومی با مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی رابطه علی معکوس داشته است و متغیر سن با مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی رابطه علی مثبت داشته است).

اما در ارتباط با این که چرا این دو متغیر ظاهراً بی ارتباط با هم وارد معادله رگرسیونی شده‌اند، می‌توان گفت این امر به دو دلیل است: 1 - با بالا رفتن متغیر سن، افراد به ثبات هنجاری و ارزشی قوی تری دست می‌یابند، زیرا آنان فرآیند اجتماعی شدن طولانی تری را تجربه کرده و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را عمیق تر درونی می‌کنند. 2 - با بالا رفتن متغیر سن، ثروت و سرمایه اقتصادی شان نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابر این چون افراد سرمایه‌گذار با بالا رفتن سن شان، هم از نظر هنجاری و هم از نظر ثروت اقتصادی از غنای بیشتری بهره‌مند گردیده‌اند، لذا در مقابل شرایط آنومیک هنجاری و اقتصادی (بی‌نظمی‌ها اجتماعی و نوسانات اقتصادی شدید و غیر قابل پیش‌بینی)، مقاومت شان افزایش یافته و کمتر از افراد کم سن و سال تر از خود، دچار سرخوردگی، یأس و ناامیدی شده و اقدام به کاهش مشارکت و در نهایت خروج از مشارکت نموده‌اند. اما با توجه به این که متغیر «آنومی» از بین سایر متغیرهای مربوط به عوامل درون جامعه‌ای، بیش‌ترین سهم را در تبیین مقدار  $R^2$  داشته است، پس باید متغیر آنومی به عنوان محور این تحلیل و تفسیر قرار گیرد و از این رو، رویکرد وابستگی - آنومیک که در ابتدا مطرح و به عنوان راهنمای تحقیق مورد استفاده قرار گرفت اصلاح و به رویکرد آنومیک<sup>1</sup> تغییر می‌یابد تا برای بازبینی علی تحقیق از آن استفاده گردد.

همچنین با توجه به این که در نتیجه آزمون مشخص شد بین متغیرهای مستقل «میزان وجود آنومی»، «ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد دولت» و «ارزیابی بخش خصوصی از عملکرد بازار» با متغیر تابع، رابطه معنادار وجود دارد، و همین‌طور بین خود این متغیرها نیز رابطه معنادار وجود دارد، لذا می‌توان گفت بین سه متغیر مستقل «میزان آنومی»، «عملکرد دولت» و «عملکرد بازار» نوعی همسویی وجود دارد و حاکمیت شرایط آنومیک بر حوزه‌ی فعالیت‌های صنعتی (در دو سطح کلان و خرد)، عملکرد دولت (در دو سطح کلان و خرد) و بازار (در دو سطح کلان و خرد) علت اصلی کاهش و عدم مشارکت بخش خصوصی بوده است، و وجود میزان آنومی بالا در سه حوزه فوق، موجب گردیده تا اوضاع و شرایط اجتماعی پیش‌رو از سوی افراد سرمایه‌گذار مبهم، غیرقابل پیش‌بینی،

1- Anomic approach

ناامید کننده، دشوار، ناامن تلقی گردیده و به راحتی آماده سرمایه گذاری در چنین شرایطی نباشند و از مشارکت مالی در صنعت در شرایط فعلی امتناع کنند.

### راهکارها

1 - راهکارهای راهبردی: در این ارتباط باید ذهنیت و نگاه کارشناسان، برنامه ریزان، مدیران و سیاستمداران برای افزایش و بهبود سطح مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه صنعتی از توجه به عوامل برون جامعه‌ای مانند اعمال تحریم ها، بیشتر به سوی عوامل درون جامعه‌ای متمرکز و معطوف گردد. 2 - راهکارهای توسعه ای: در این ارتباط باید با بهره گیری از نتیجه تحقیقات و نظرات کارشناسان مربوطه، نسبت به توافق و تفاهم بر سر تنظیم برنامه های کلان جامعه ایران اعم از چشم انداز 20 ساله، برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و ... اقدامات جدی صورت گیرد تا جامعه از حالت بلا تکلیفی و بی قاعدگی در عرصه فعالیت های اقتصادی - اجتماعی خارج و اوضاع شفاف و قابل پیش بینی بر جامعه حاکم گردد و فعالان صنعتی با خیالی راحت تر به فعالیت های صنعتی رو آورده و در آن مشارکت نمایند. 3 - راهکارهای کاربردی: در ارتباط با نظام دولت و زیر مجموعه های آن، در دو سطح کلان و میانه باید بستر لازم برای ایجاد و تقویت تشکل های سیاسی - مدنی مانند احزاب سیاسی و تشکل های صنفی - حرفه ای برخوردار از اراده بخش خصوصی صنعت فراهم گردد. در ارتباط با نظام بازار نیز، باید بستر لازم برای شکل گیری، تقویت و حضور جدی تشکل های مدنی - صنفی برخوردار از اراده بخش خصوصی فراهم گردد تا نظام بازار از حالت فعلی خود که تحت تأثیر اراده دولت قرار دارد خارج گردیده و از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار گردد، به عبارتی بازاری با مشارکت جدی بخش خصوصی تشکیل شود.

### فهرست منابع

- آمار صادرات کالاهای صنعتی و معدنی در سال 1385، (1387)، نشانی <http://www.mim.gov.ir>
- بخشی، لطفعلی (1389/12/14)، یادداشت «مالیات و صنعت در ایران»، نشانی: <http://alef.ir/content/view/41952/83>
- بررسی اجمالی عملکرد بازرگانی خارجی کشور در دوازده ماهه سال 1386، (1387)، نشانی: <http://www.irica.gov.ir/persian/news>
- تعداد کارگاههای صنعتی 10 نفر کارکن و بیشتر کشور در سال 1385، (1387)، نشانی:

[www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci.gozide/sci.aya?](http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci.gozide/sci.aya?)

توسلی، غلامعباس (1382)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول

خبرگزاری کار ایران (1389/2/18)، نشانی <http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=122338>  
 خداویسی، حسن (1375)، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران»، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده علوم انسانی، نشانی <http://dbase 4.irandoc.ac.ir/>  
 خلاصه تحولات اقتصادی کشور (1388)، قسمت نشریات و پژوهش ها، همان نشانی اینترنتی.

دشتی، سعیده (1387)، بررسی روند سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (1387)، نشانی <http://www.majlis.ir/pdf/Reports/9474.pdf>  
 رضی، داود (1380)، بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم ایران در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران 1372 - 1358، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره های 37 و 38

ریتزر، جورج (1384)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول

سرای، حسن (1372)، مقدمه ای بر نمونه گیری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول  
 سی. دی (C.D) آمار کارگاههای صنعتی کشور (1388/4/20)، اداره کل صنایع و معدن استان خراسان رضوی

سیف اللهی، سیف الله (1381)، جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران: مجموعه مقالات و نظرها، تهران، جامعه پژوهان سینا، چاپ اول

سیف اللهی، سیف الله (1388)، مبانی جامعه شناسی: اصول، مبانی و مسایل اجتماعی، تهران، مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا، چاپ سوم

شفیعی، سعید (1379)، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه بخش صنعت مازندران»، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی، همان نشانی اینترنتی

شکری، عاطفه (1385/6/1)، یادداشت تحلیلی «تورم»، نشانی:

<http://www.harkat.com/news/detail.asp?id=49>

شکوری هوجقان، علی (1370)، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی موانع اجتماعی توسعه صنعت در ایران»، دانشگاه تهران، همان نشانی اینترنتی

صادرات غیرنفتی 60 درصد افزایش یافت چین رتبه اول صادرات ایران را به خود اختصاص داد (1389)، نشانی <http://www.irica.gov.ir/persian/news/newsview.aspx?ID=1667>

صادق الحسینی، محمد (1388/12/12)، سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد  
عفتی، محمد (1371)، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستائیان در طرحهای توسعه روستایی»، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد بخش مرجع عملکرد شاخص های مهم صنعت و معدن (1388)، نشانی [www.mim.gov.ir](http://www.mim.gov.ir).  
عملکرد 8 ساله گمرک، بخش اخبار (1387)، نشانی:

<http://www.irica.gov.ir/Persian/News/News.aspx>

غنی نژاد، موسی (139/2/19)، سر مقاله روزنامه دنیای اقتصاد نشانی:

<http://www.donya-e-eqtasad.com/>

فکوهی، ناصر (1383)، نگرشی انسان شناختی بر پنداشت روستائیان از مشارکت سیاسی و چند عامل مؤثر بر آن در روستای نمونه گرمسار، فصلنامه علوم اجتماعی (ویژه نامه مشارکت « مشارکت و یارگیری ») دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره 6.

فوران، جان (1383)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ پنجم

کلانتری، خلیل (1382)، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss، تهران، نشر شریف، چاپ اول

گزارش شماره 56 نماگرهای اقتصادی (1388)، نشانی <http://www.cbi.ir/section/1379.aspx>

گزارش شماره های 39 و 21 نماگرهای اقتصادی (1388)، نشانی:

<http://www.cbi.ir/section/1379.aspx>

گزارش عملکرد شماره 55 نماگرهای اقتصادی (1388)، نشانی:

<http://www.cbi.ir/simplelist/2596.aspx>

گزارش عملکردی مقدار و ارزش واردات بر حسب کشورهای مبدا در سال 1386، (1387)، نشانی:

[http://www.irica.gov.ir/Persian/AmarView/Reports/1386\\_add/imprep06.html](http://www.irica.gov.ir/Persian/AmarView/Reports/1386_add/imprep06.html)

محمدی، فائزه (1388/9/26)، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر 836957



مرادی، بهنام (1384)، ابعاد خصوصی سازی و آثار آن بر سرمایه گذاری خصوصی (مطالعه موردی ایران)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های 9 و 10

مصاحبه با دبیر سندیکای صنعت برق ایران (1388/11/28)، نشانی:

<http://www.ieis.ir/News/show.asp?Seq=605>

مصاحبه با دبیر کل انجمن صنایع نساجی (1387/5/3)، روزنامه سرمایه، شماره 792

مصاحبه با رئیس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. (1389)، نشانی:

<http://www.cbi.ir/page/2763.asp>

مصاحبه با رییس خانه صنعت و معدن ایران (1389/2/6)، نشانی:

<http://www.mim.gov.ir/index.php?name=news&file=article&sid=6198>

مصاحبه با رئیس خانه صنعت و معدن مازندران و عضو شورای مرکزی خانه‌های صنعت و معدن ایران،

[http://www.hesabiran.com/news/show\\_detail.asp?id=1490](http://www.hesabiran.com/news/show_detail.asp?id=1490) نشانی (1386/2/6)،

مصاحبه با رئیس مرکز آمار ایران (1388/5/10)، خبرگزاری دانشجویان ایران، نشانی:

<http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci.akhbar>

مصاحبه با رئیس هیأت مدیره سندیکای صنعت برق (1388/11/28)، نشانی:

<http://www.ieis.ir/News/show.asp?Seq=606>

مصاحبه با عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی تهران (1389/2/18)، روزنامه جهان صنعت، شماره 1677،

ص 12، نشانی <http://jahanesanat.ir/>

مصاحبه با مدیر کل امور صادراتی وزارت صنایع و معادن (1387/4/18)، سایت وزارت صنایع و معادن،

کد خبر 4664 - 1

مصاحبه با مدیر کل صادرات وزارت صنایع و معادن، مرکز اطلاع رسانی صنایع و معادن ایران، نشانی:

<http://www.mim.gov.ir/nagogiation/1.asp>

مصاحبه با معاون امور استان های خانه کارگر، (1389/1/21)، روزنامه مردم سالاری نسخه 2324

مصاحبه با معاون فنی و حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور (1386/5/1)، خبرگزاری فارس شماره

8605010292

مصاحبه با نایب رئیس خانه‌های صنعت و معدن ایران (1388/10/20)، نشانی:

<http://www.ghatreh.com/news/4475050>

مصاحبه با نایب رئیس سندیکای برق ایران (1388/11/28)، نشانی:

<http://ieis.ir/News/show.asp?Seq=604>

مصاحبه با وزیر بازرگانی (1389/2/5)، نشانی:

<http://www.ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=64569>

مصاحبه با یکی از کارگران شرکت ساخت شیشه خودرو (1389/2/12)، روزنامه خراسان: ویژه نامه خراسان رضوی، شماره 17539 / ویژه نامه 1574

مقایسه برخی شاخص های اقتصاد ایران با برخی کشورهای منتخب (1387)، بخش گزارش تحلیلی، نشانی: <http://sta.mim.gov.ir/>

میرزایی، خلیل (1385)، فرهنگ تخصصی انگلیسی - فارسی علوم انسانی، تهران، حفیظ، چاپ اول  
ناصری، حسین (1382)، پایان نامه کارشناسی ارشد «موانع سیاسی توسعه رقابتی در صنعت خودروسازی

ایران»، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نشانی <http://dbase4.irandoc.ac.ir/>  
نتایج آماری از کارگاه های ده نفر کارکن و بیشتر - 1385 (1387)، طرح آماری از کارگاه های صنعتی ایران، <http://amar.sci.org.ir>

نیلی، مسعود و حسن درگاهی، کورس صدیقی، محمد طبیبیان، سعید کلاترنیا، فرید کیمرام، عبدالحمید مدرس، و منوچهر نجمی (1382)، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران، دانشگاه صنعتی شریف، چاپ دوم

همتی، محمد (1376)، پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی موانع و مشکلات سرمایه گذاری صنعتی با تأکید بر موانع و مشکلات اداری (در استان ایلام)، دانشگاه شیراز، همان نشانی اینترنتی

The Corporate Warriors: The Raise of Privatized military Industry, 2009,  
Quoted from P.W.Singer, <http://www.amazon.com/>.